

از تاریخ پند بگیریم:

بحران تابستان ایران تشدید مبارزات جنبش صنفی براساس ابرتورم خواهد بود؟!



ابر تورم آلمان در سال ۱۹۳۲ میلادی نمونه ای از بزرگترین تورم ثبت شده در تاریخ است. تورم ۳/۲۵ میلیون درصد در ماه بود (یعنی قیمت ها هر ۴۹ ساعت دو برابر می شد). چنین تورمی باعث شد ۱ دلار آمریکا به ۴/۷ تریلیون مارک آلمان برسد. مردم به سمت پرداخت صورتحساب های خود بر اساس کالا رفتند. از بازدیدکنندگان تئاتر، سینما و سیرک خواسته می شد به جای پول، غذا بیاورند. به عنوان مثال، اعلامیه در تئاتر به شرح زیر بود: صندلی های ارزان قیمت ۲ تخم مرغ، صندلی های گران قیمت ۱ کیلوگرم کره. آمار خودکشی در کشور به شدت افزایش یافت. برخی از دلایان حيله گر شروع به خرید خانه های کل یک خیابان کردند. پول آلمانی هایی که خوشحال بودند خانه های خود را به مبلغ زیادی می فروختند، در عرض چند روز کاملاً بی ارزش شد! «کاتال رسمی پرشین هیستوری»

در علم اقتصاد، ابرتورم (به انگلیسی: Hyperinflation) به تورم بسیار بالا و معمولاً پرشتاب گفته می شود. با افزایش قیمت کالاها در این پدیده، افراد جامعه میزان دارایی هایشان را به شکل پول محلی به حداقل می رسانند و به طور معمول به سمت نگهداری ارزهای خارجی پایدارتر سوق پیدا می کنند. در چنین شرایطی با این حال که سطح عمومی قیمت ها بر اساس ارز محلی در اقتصاد مواجه با ابرتورم به سرعت افزایش پیدا می کند، قیمت اقلام در نسبت با ارزهای خارجی نسبتاً با ثبات باقی می ماند.

ابر تورم آلمان یکی از شدیدترین موارد تورم در تاریخ بود که در دوره جنگ جهانی اول و پس از آن رخ داد. این پدیده باعث شد که قیمت ها به سرعت و به شکل ناهنجاری افزایش یابند و ارزش مارک آلمان به شدت کاهش پیدا کند. برای مثال، در سال ۱۹۱۴ میلادی، یک دلار آمریکا برابر با ۴.۲ مارک بود، اما در سال ۱۹۲۳ میلادی، یک دلار برابر با ۴.۲ تریلیون مارک شد! علت اصلی این ابرتورم، معمولاً کسری بودجه دولت آلمان و چاپ پول بدون پشتوانه طلا یا صادرات نام برده می شود. دولت آلمان برای پرداخت جبران بدهی های سنگین جنگ جهانی اول و هزینه های داخلی خود، ناچار شد به صورت فزاینده ای پول تولید کند. این اقدام باعث شد که عرضه پول در بازار به شدت افزایش یابد و قدرت خرید مردم کاهش پیدا کند.

ابر تورم آلمان تاثیرات منفی فراوانی روی اقتصاد و جامعه آلمان داشت. بسیاری از مردم فقیر شدند و نتوانستند هزینه‌های خود را بپردازند. قیمت‌ها هر روز تغییر می‌کردند و مردم باید با چمدان‌های پول خرید کنند. بعضی از مردم حتی پول را به عنوان سوخت یا کاغذ دستشویی استفاده می‌کردند! ابر تورم همچنین باعث نارضایتی و ناامیدی سیاسی در میان مردم شد و راه را برای رشد نازیسم هموار کرد. «آلمانی‌ها چطور غول تورم را شکست دادند؟ خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا» ۴ اسفند ۱۳۹۵»



پیامدهای تورم در اقتصاد ایران و تاثیر بر بالا آمدن جنبش اجتماعی؟

در یک گزارش خبری از وضعیت اقتصاد ایران آمده که «... برای بسیاری از شهروندان آنچه از وضعیت اقتصادی سال ۱۴۰۱ در خاطر مانده، بیش از هر چیز در یک مفهوم اقتصادی خلاصه می‌شود: تورم. در این سال، افزایش قیمت‌ها به شکلی خیره‌کننده به سقوط دنباله‌دار ارزش ریال گره خورد و از قدرت خرید ایرانیان به طور کلی کاسته شد. در آخرین ماه سال، بانک مرکزی اعلام کرد تورم ۱۲ ماه منتهی به اسفند ۴۶.۵ درصد بوده و تورم نقطه به نقطه نیز ۶۳.۹ درصد است. بدین ترتیب بر اساس آمار رسمی، ایران برای چهارمین سال متوالی تورم بالای ۴۰ درصد را تجربه کرده‌است. ضمن اینکه تورم بخش‌هایی مانند مواد غذایی از مرز ۹۰ درصد هم عبور کرد. این ارقام، گویاترین تصویر از وضعیت اقتصادی سال ۱۴۰۱ است... بحران اقتصادی ایران چنان ابعاد وسیعی به خود گرفته که آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، سال ۱۴۰۲ را سال «مهار تورم» نامگذاری کرد/ بی بی سی فارسی- علی‌رمضانیان ۲۹ فروردین ۱۴۰۲ برابر با ۱۸ آپریل ۲۰۲۳»

و این در حالی است که اکثر تحلیل‌گران اقتصادی و سیاسی جامعه ایران پیش‌بینی می‌کنند که بحران اقتصادی ناشی از ناکارآمدی و دیگر بحران‌های فزاینده موازی باعث خیزش اجتماعی و تحولات میدانی پیش روی در سال ۱۴۰۲ خواهد بود. در فرایند این تحلیل‌ها دیده شد که اعتراضات و اعتصابات سراسری و پیوسته افسار مختلف جامعه مزدبگیر از جمله «کارگران سطوح مختلف صنفی، پرستاران، بازنشستگان، رانندگان، و...» خیابانها را اشغال ساختند. اگرچه ریشه اعتراضات و اعتصابات سال ۱۴۰۲ به دلایل متعدد «جنسیتی، قومی، فرهنگی، دینی و از جمله صنفی» بر می‌گردد، اما بخش اساسی این حرکتهای میدانی در سال ۱۴۰۲ به حوزه صنفی و کارگری اختصاص داشت:

از مهمترین تجمع‌ها و اعتصابات در این مدت «اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، شرکت کشت و صنعت کارون، تجمع کشاورزان به ویژه در شرق اصفهان، اعتراضات معلمان، بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی» بوده است. در این گزارش که در آستانه روز جهانی کارگر، در وبسایت

هرانا ارگان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران منتشر شد، آمده که در فاصله اردیبهشت ۱۴۰۱ تا اردیبهشت ۱۴۰۲ طیف وسیعی از کارگران در اعتراض به عدم دریافت حقوق ماهیانه و عدم توجه به مطالبات صنفی به خیابان‌ها آمده‌اند و کارگران گاه در اعتراض به عدم پرداخت تا ۳۰ ماه از حقوق‌شان، دست به اعتصاب و تجمع زده‌اند. «رادپو فردا- ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲/ هرانا: برگزاری یک هزار و ۶۱۶ تجمع و اعتصاب کارگری در یک سال» همینطور رجوع شود به: «تجمع سراسری بازنشستگان مخابرات، اعتصاب کارگران نفت و پتروشیمی- ۴ اردیبهشت ۱۴۰۲/ دوپچه وله»

بانک جهانی در آخرین گزارش خود از امنیت غذایی که دوره زمانی مهرماه تا دی ماه سال ۱۴۰۱ را مورد توجه قرار داده ایران را با تورم غذایی ۷۳ درصدی در میان کشورهای جهان در رده چهارم بالاترین تورم غذایی قرار داده است. در این گزارش فقط زیمبابوه، لبنان و آرژانتین تورم‌های غذایی بالاتری داشته‌اند. «آرش حسن نیا/ گزارش اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۲- باید منتظر تداوم تورم و رکود بود. ایران وایر- ۴ فروردین ۱۴۰۲»

جامعه ایران در کنار جنبش‌های مدنی و سیاسی موجود به سمت یک جنبش صنفی و مبارزاتی فراگیر در حرکت است و به این دلیل بیشتر کنشگران و فعالین میدانی در شوراهای صنفی و تشکلات مستقل کارگری طی دو سال اخیر مورد یورش نهادهای امنیتی- انتظامی قرار گرفته و با احکام سنگین مواجه شدند که اکثر آنان هم اکنون در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی به سر می‌برند. این در حالی است که مبارزات میدانی و اعتراضات خیابانی جنبش صنفی گسترش فراگیری داشته است. و تنها در طی یکسال گذشته نزدیک به «یک هزار و ۶۱۶ تجمع و اعتصاب کارگری» برگزار گردید. (هرانا- ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲)



وظایف جنبش سیاسی در حمایت از تحولات پیش روی مبارزات جنبش صنفی

نظریه غالب در مورد نقش جنبش‌های اجتماعی معاصر در میان اکثر تحلیل‌گران تحولات کنونی تاکید می‌کند که جنبش‌های کنونی ایران از ویژگیهایی چون «خودمختاری، استقلال، رهبری درونی و حمایت بیرونی» برخوردارند. این گزاره پس از انقلاب مهسا «ژینا» و زن زندگی آزادی و در رابطه با جنبش‌های سه‌گانه صنفی، مدنی و سیاسی بیشتر از دوره‌های قبل برجسته شده است. با اینحال به نظر می‌آید که به دلیل سرکوب‌های فزاینده و احاطه نهادهای نظامی- امنیتی بر سرکوب و کنترل نهادهای صنفی، امکان برتری این نیروها در حوزه میدانی تابع وضع قدرت و پتانسیل نیروهای سرکوب می‌باشد. بنابراین یکی از راهکارهای مهم برای بالا آوردن جنبش‌های سه‌گانه از جمله جنبش صنفی کارگری - کارمندی، حمایت بی‌دریغ دیگر جنبش‌ها (مدنی و سیاسی) از مبارزات صنفی است!

به این اعتبار می‌توانیم تاکید کنیم که جنبش سیاسی حتی مسئولیت بیشتری نسبت به دیگر جنبش‌ها دارد، از جمله نقش بی‌بدیل آن در «سازماندهی، انتقال تجربه و ایجاد همگرایی راهبردی» با جنبش

های سه گانه می تواند در راستاری همبستگی ملی عمل نماید. زیرا از لجستیک و توان سازماندهی بالاتری برخوردار می باشد.

بنابراین در فرایند گسترش اعتراضات و اعتصابات میدانی پیش روی جا دارد که جنبش سیاسی و جنبش مدنی بطور همزمان در سازماندهی اعتراضات و اعتصابات سراسری فعالانه شرکت نماید. در این رابطه نقش رسانه ها و شبکه های اجتماعی همچون گذشته در حمایت بی دریغ از این حرکات و تبلیغ و ترویج حرکتهای اعتراضی بسیار مفید بوده و شانس همگرایی میدانی را بیش از پیش تقویت می کند.

گروه خبر کمیسیون رسانه شورای ملی تصمیم

۲۱ جولای ۲۰۲۳